



شده کاستاندا به شیوه غلط است که هیچگونه
متدی در آن مراعات نشده و البته در صورتی
که ایشان پاراگراف به پاراگراف مشخص می کردند
که از کدام کتاب برداشت کرده اند، احتمال
داشت که این اثر صرف نظر از غلطهای فاحش
آن نوعی گردآوری از بعضی از مطالب درهم
و برهم به شمار آید. متأسفانه مفسر محترم
همان طور که قبلاً ذکر شد هیچگونه تفسیری
در باره آموزشها ارائه نداده و انگیزه آموزشها
ارائه نداده و انگیزه رونویسی متن نیز مشخص
نیست و محض نمونه حتی یک صفحه تحلیل
و تفسیر نیز در سراسر کتاب دیده نمی شود.
بهر حال مسلم است که نمی توانست تفسیر آرا
و عقاید کاستاندا باشد، زیرا کاستاندا تاکنون
در این مورد عقیده ای ابراز نکرده و تمام کتابها
صرفاً آموزشهای دون خوان است همچنانکه در
متنهای اصلی نیز به دنبال عنوان کتاب
همواره جمله آدامه آموزشهای دون خوان "افزوده
می شود.

بهر حال بد نیست بدانیم که از صفحه ۹
تا صفحه ۲۰۲ کتاب رونویسی است (البته در
بعضی قسمتها با اندکی تغییر و وصله پینه
جملات کتابها) از کتابهای "تعلیمات دون-
خوان" ترجمه حسین نیر، حقیقتی دیگر ترجمه
ابراهیم مکلا، سفر به دیگرسو ترجمه دلارا
قهرمان و کتابهای "افسانه های قدرت" دومین
حلقه قدرت و هدیه عقاب ترجمه مهران کندی
- مسعود کاظمی. از صفحه ۲۰۳ تا آخر کتاب
یعنی تا پایان صفحه ۳۳۶ رونویسی دقیق تری
است از کتاب آتش درون ترجمه مهران کندی
کاظمی. برای مثال به ترتیب صفحات ۴۲
پاراگراف دوم، ۵۶ پاراگراف دوم، ۸۷ پاراگراف
اول، ۱۱۴ سطر اول به بعد، ۱۶۹، ۲۱۳ سطر
اول به بعد، ۲۲۱ پاراگراف دوم، ۲۳۹، ۲۶۲،
۲۹۳، ۳۱۳ "دون خوان از زبان دون خوان"،
را مقایسه کنید با صفحات ۷۵ سفر به دیگر سو
پاراگراف دوم، ۲۱۰ "حقیقتی دیگر" پاراگراف

دون خوان از زبان دون خوان
برگردان و اقتباس: مهوش صفائی
ناشر: انتشارات عطار
قطع: جیبی
سال: ۱۳۶۸
قیمت: ۱۰۰۰ ریال



قلب از روی دست دیگران

منیزه احمد سلطانی

شده در این مجموعه عیناً همان اصطلاحاتی
است که در کتابهای ترجمه شده کاستاندا
درج گردیده... و آنگاه در پایان مقدمه
فهرست منابع فارسی را ارائه داده اند. یعنی
بنوعی معترف شده اند که برگردان، اقتباس
و تفسیر نیست. بهر حال حتی مقدمه او پر
از جملات ضد و نقیض است و معلوم نیست که
منظور از واژه "برگردان" یا "تفسیر"، برگردان
و تفسیر چه چیزی بوده. با بررسی دقیق
می توان نوعی عکس برگردان کتابهای ترجمه

در اوایل سال ۱۳۶۸ کتاب جدیدی تحت
عنوان "دون خوان از زبان دون خوان" منتشر
شد که رونویس کننده مطالب، مدعی ترجمه
و اقتباس و نیز تفسیر آرا و عقاید کاستاندا
شده بود. این کتاب، ابتدا نظر دوستداران
کاستاندا را به خود جلب کرد و سپس موجب
حیرت آنان شد. زیرا به محض ورق زدن کتاب
متوجه شدند که متن، رونویسی از متنهای
فارسی کاستانداست و برخلاف آنچه رونویس
کننده در مقدمه و نیز در صفحه عنوان ذکر
کرده، نه اقتباس است و نه برگردان و نه تفسیر
آرا و عقاید کاستاندا، زیرا تقریباً عین متن
کتابهای ترجمه نشده کاستاندا انتخاب و نقل
شده است.

این کتاب برگردان از زبانی دیگر به زبان
فارسی نیست، چرا که در هیچ یک از زبانهای
دنیا کتابی به نام "دون خوان از زبان دون
خوان" وجود ندارد که ایشان بتوانند آن را
به فارسی ترجمه کنند. در ضمن طبیعی است
که در کتاب رونویسی شده اثری از تفسیر آرا
و عقاید کاستاندا دیده نمی شود. هم چنانکه
"مفسر و مترجم" نیز نام متن را "دون خوان
از زبان دون خوان انتخاب کرده اند و یادشان
رفته بنویسند. "تفسیر عقاید کاستاندا از زبان
خودم و به قلم مترجمان کاستاندا."

مترجم یا مفسر یا رونویس کننده یک بار
در مقدمه ذکر کرده اند که متن براساس هفت
کتاب کاستانداست (گویا در زبان رونویس و
تفسیر کردن ایشان، کتاب قدرت سکوت ترجمه
خانم کندی هنوز به چاپ نرسیده بود). بعد
نوشته اند که این کتاب مجموعه آموزشهای
منظم دون خوان است. البته ما کاستاندا خوانان
می دانیم که کاستاندا، شاگرد دون خوان، بارها
اقرار کرده است که آموزشها را به طور منظم
بازگو نمی کند. حال چطور این مفسر عزیز از
عهدده این مهم برآمده خدا می داند و پس،
سپس ذکر کرده اند که "اصطلاحات به کار گرفته

چهارم ، ۴۳ " اولین حلقه قدرت " از سطر بیست و دوم ، ۱۹۷۰ " هدیه " عقاب " از سطر دوازدهم ، ۱۸۹۰ ، ۱۶۷ ، افسانه‌های قدرت ، صفحات ۲۹ از سطر پنجم ، ۲۵۵ از سطر پنجم ، ۱۷۴ ، ۱۷۳ ، ۱۰۸ ، ۱۰۷ ، ۱۰۶ ، ۵۶ ، ۵۵ ، ۲۲۴ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ آتش درون ، البتسه خواننده عزیز فراموش نکنید که از صفحه اول تا آخر کتاب را می‌توان به عنوان مثالی صرفاً در مورد رونویسی مطالب و نه برگردان ، اقتباس یا تفسیر آرا و عقاید ذکر کرد . گاهی اوقات نیز جمله را عوض کرده و یا کلمه‌ای افزوده که باعث غلط شدن متن اصلی شده است و تردیدی نیست که خواننده این کتاب همراه خواهد شد . برای مثال چند نمونه را ذکر می‌کنیم :

۱ - در صفحه ۲۷ کتاب واژه " شکارچی " را " سالک اهل معرفت " نوشته و بدینسان تمام مطلبی را که خانم قهرمان در صفحه ۱۱۳ سفر به دیگرسو توضیح داده‌اند بدل به غلطی فاحش کرده است .

۲ - در صفحه ۴۱ کتاب تحت عنوان شکار و شکارچی در آخر صفحه نوشته‌اند : " متوجه شدم برای اینکه شکارچی تمام عیاری شد ، هدف لازم است و چه بهتر که هدف ما سالک بودن باشد . " ! من فکر می‌کردم که هدف شکارچیان به طور معمول شکار حیوانات است ولی گویا اخیراً " سالک بودن شده و این - جانب از آن بی اطلاع . خوانندگان عزیز کاستاندا بهتر می‌دانند که منظور دون خوان این است که هر سالکی بایستی شکارچی نیز باشد ، زیرا بعدها از شکار نقاط ضعف و غیره نام می‌برد و نه اینکه هدف شکارچی سالک بودن باشد .

۳ - در صفحه ۱۵۲ افسانه‌های قدرت نوشته شده است که " دون خوان " دستی به سرم کشید و گفت این مرکز " منطق " و " صحبت کردن " است . جناغ سینه‌ام مرکز احساس کردن ، ... ولی مترجم محترم دست به سرکشیدن واژه " این " را گویا به مفهوم نوازش برداشت کرده ، در متن اصلی دست برده و در صفحه ۷۲ ، سطر ۲۵ کتاب خود نوشته است که " انتهای جناغ سینه مرکز " منطق " و " صحبت کردن " است . مرکز احساس کردن سطح زیرنایف ، ... هر بیسوادی می‌داند که سر مرکز منطق و تفکر است و نه جناغ سینه .

۴ - با وجودی که مدعی‌اند متن برگردان است هنوز متوجه نشده‌اند که واژه جنگجوی خانم قهرمان همان واژه سالک مبارز کندری - کاظمی است و زحمت یک دست کردن واژه‌ها را نیز به خود نداده‌اند .

۵ - در صفحه ۲۶۴ سطر ۱۴ نوشته‌اند " و آن طناب مخصوصی بود که به دور فکرشان گره می‌زدند ... " در حالی که در متن اصلی یعنی آتش زدن صفحه ۱۱۵ سطر هفتم و هشتم آمده است که " طنابی مخصوص بود از ریسمان چند لا که دور کمرشان گره

می‌زدند ... " به هر حال خوانندگان عزیز بی‌تردید می‌دانند که گره زدن طناب به دور فکر کاری بس مشکل است . اما ما ممنون می‌شویم اگر مفسر و مترجم محترم این عمل را با فکر خود می‌کرد و چنین اثری ارائه نمی‌داد .

۶ - عناوین مختلفی در این کتاب طبقه‌بندی شده که متأسفانه در هیچ طبقه‌ای جای نمی‌گیرد و بسیار ناقص است ، زیرا برای مثال در بخش مبارز و مبارزه از انسان وارسته یا مکان اقتدار سخن رفته است که ربطی به مبارز و مبارزه ندارد .

۷ - در بیشتر موارد واژه ساحر (Sorcerer) را در ترجمه‌های کندری - کاظمی به واژه معرفت‌پیشه (Man of knowledge) بدل کرده‌اند و متأسفانه دقت نکرده‌اند که معرفت‌پیشه در کتابهای کندری - کاظمی مفهوم دیگری بجز ساحر دارد . اهل معرفت می‌توانند ساحر باشند و هر ساحری لزوماً معرفت‌پیشه نیست . آیا این کار به خاطر این بوده که متن را برگردان واقعی جلوه دهند ؟ شاید برگردان به این معنی باشد که متن درست مثل کاسه آشی که واژگون می‌شود و دیگر قابل استفاده نیست برگرداند ، شود .

۸ - در بعضی از قسمتهای ترجمه‌های اصلی از تولتکها و ورود اسپانیاییها به آمریکا سخن رفته و برگرداننده متوجه نشده‌اند که این امر بازمی‌گردد به کشف آمریکا و زمانی که اسپانیاییها وارد این قاره شدند و از تنکها و تولتکها و دیگر اقوام را به خاک و خون کشیدند .

بنابراین برای تغییر دادن جمله یا نشان دادن این امر که متن ایشان با متن مترجمان اصلی تفاوت دارد در صفحه ۲۵۶ کتاب خود به واژه فاتحان واژه سرخیوست را نیز افزوده‌اند و بدینسان است که تاریخ کشف آمریکا و فتح آن به دست اسپانیاییها را تغییر داده و سرخیوست را فاتح جلوه داده‌اند !

آیا بهتر نبود که این مفسر و رونویس کننده محترم با یکی از مترجمان اصلی تماس می‌گرفت و برای نوشتن متن خود از ایشان یاری می‌طلبید و با یاری گرفتن از مترجمان کتابهای کاستاندا متن بدون غلطی را اقل تحت عنوان " آموزشهای دون خوان از زبان کاستاندا و دیگر شاگردانش و به عنوان گردآوری با ذکر دقیق صفحه " ماخذ ارائه می‌داد و از ادعاهای بسی مورد چشم می‌پوشید ؟

به هر حال در پایان توجه این نوع مفسران و مترجمان متنبهای ادبی و علمی و ناشران را جلب می‌کنم به قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ماده ۲۲ - ۳۳ .

در ضمن جای بسی شگفتی است که انتشارات فردوس که ناشر ۷ کتاب از ۸ کتاب کاستانداست بدون توجه به کیفیت کتاب و هرگونه محک علمی در امر انتشار این کتاب شرکت داشته است .

مارکسیسم ، امپریالیسم و ملل توسعه نیافته . نویسنده : دکتر حمید الیاسی انتشارات روشنگران .

فارغ از شعار و هیاهو در برابر مارکسیسم

تحولاتی که جهان امروز با آن مواجه است ، بالاخص دگرگونی در دیدگاه و احتمالاً ماهیت اردوگاه سوسیالیسم ، شاید بیش از هر کس رهبران و روشنفکران جهان سوم را بهت زده ساخته است . آیا جدال میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری که دست‌کم در سی سال گذشته هزینه‌های هنگفتی را بر ملل توسعه نیافته تحمیل کرده است ، تنها یک " شوخی تلخ " بود ؟ جناح‌بندیهای متعدد و گاه خونبار سیاسی در کشورهای جهان سوم که محل اختلافات ایدئولوژیک شرق و غرب بوده است ، مسأله‌ای نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت . اینک روشنفکران جهان سوم می‌توانند از خود بپرسند که آیا تمامی ماجرا ترقندی حیل‌گرانه برای ایجاد شکاف و آلا " مانعیت از وحدت نظر ضروری برای توسعه و تکامل جوامع آنان نبوده است ؟ یا به عکس ، جهان پیشرفته هم که در خلال یک قرن گذشته درگیر تعارض میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم بوده خود یکی از قربانیان یک سوء تفاهم تاریخی ، یک بی‌دقتی کم نظیر در تنوع و تفکر است ؟

قدر مسلم این است که نتایج تحولات فعلی ، هرچه که باشد ، این واقعیت را نشان می‌دهد که مارکسیسم و آنچه مطرح می‌کند مایه این بحث وجدل‌ها بوده است . علاوه بر این ، درک تحولات حاضر و اجتناب از درگیر شدن مجدد در مباحثی " نامربوط " که بی‌شک در آینده به شیوه‌های دیگر طرح خواهد شد مستلزم آشنایی فکورانه و فارغ از پیشداوری یا مبانی مارکسیسم و تفاوت‌های واقعی یا غیرواقعی آن با " صدامارکسیسم " و " غیرمارکسیسم " است . به ویژه روشنفکر جهان سوم بیش از هر زمان دیگر به بازبینی مبانی و اصول این مکتب و آنچه از آن زاده شد نیاز دارد ، بازبینی صورت‌ها و فردی که مجال اندیشیدن و نقد و انتقاد فعالانه را از وی سلب نکند .